

تنوع معنایی «عزم» نزد مفسران و مترجمان قرآن کریم و ارزیابی گونه‌ها

احمد پاکتچی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۲

چکیده

ماده عزم حامل مفهومی کلیدی در تاریخ فرهنگ اسلامی است که کاربردهای آن در ۹ آیه از قرآن کریم، در حیطه‌های مختلف عقاید، اخلاق، احکام و اندیشه سیاسی اثر گذارده است؛ این در حالی است که در تفاسیر و ترجمه‌های قرآن، تشتت محسوسی در توضیح این ماده دیده می‌شود که تا حدی برخاسته از دور شدن از زبان عصر نزول و اختلاط میان زبان‌ها و گویش‌ها، و تا حدی مربوط به خلاقیت‌های مفسران و مترجمان در ارائه برداشتی رها از واژه‌شناسی است.

پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که ماده عزم در تفاسیر و ترجمه‌های کهن فارسی، در کاربردهای ۹ گانه در قرآن کریم چگونه فهم شده است؟ این فهم‌ها چه همگرایی و واگرایی دارند و چه گونه‌شناسی از آنها می‌توان ارائه داد؟ روش به کار گرفته شده در مقاله، مطالعه تطبیقی متون و تحلیل محتوای آنها با الگوی داده‌بنیاد است؛ به طوری که اطلاعات به دست آمده از مقایسه و تحلیل، پس از به دست آمدن همگرایی‌ها و واگرایی‌ها، مقدمه دست‌یابی به یک گونه‌شناسی انتقادی گردد. برای پیشبرد بحث، مؤلف به طور غیر مستقیم از روش گونه‌شناسی ساخت معنا در حوزه زبان‌شناسی تاریخی نیز بهره گرفته است.

واژگان کلیدی

معناشناسی تاریخی، متن‌پژوهی تطبیقی، تاریخ زبان عربی، ترجمه‌های قرآن کریم.

طرح مسئله

عزم به عنوان ماده‌ای که ۹ بار در قرآن کریم کاربرد یافته، در شمار ماده‌هایی است که در فرهنگ اسلامی اثری ماندگار برجای نهاده است. کاربردهای عزم در قرآن کریم گاه درگیر بحث‌های کلامی - عقایدی شده‌اند، مانند آنچه در آیات «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه: ۱۱۵) و «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف: ۳۵) دیده می‌شود که در آیه اخیر اساساً اصطلاحی را به عنوان پیامبران اولوالعزم پدید آورده است.

گاه مباحث احکام در قرآن کریم، مانند عزم بر طلاق در آیه «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۲۷) و عزم بر عقدۀ نکاح در آیه «وَ لَا تَعْرِمُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ» (بقره: ۲۳۵) به این ماده گره خورده است و گاه در فضای اخلاقی از اعمال و خصالی به عنوان "عزم الامور" سخن می‌رود «إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران: ۱۸۶؛ لقمان: ۱۷؛ شوری: ۴۳) و گاه در آیاتی مانند «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹) و «فَإِذَا عَزَمْتَ الْأُمُورَ» (محمد: ۲۱) استنباط سیاسی صورت گرفته و مفهوم عزم زمینه‌ساز نظریه‌هایی در باب اندیشه سیاسی بوده است.

این درجه از اهمیت ماده عزم، نیازمند آن است که دقت‌های موشکافانه درباره ارزش لغوی و تفسیری آن صورت گیرد و پژوهش حاضر، در صدد پاسخگویی به این مسئله است. باید عنایت داشت که در منابع لغوی و هم در متون تفسیری و ترجمه‌ها، تشتت فراوانی در توضیح این ماده مشاهده می‌شود؛ تشتتی که بخشی ناشی از دور شدن مفسران از زبان عصر نزول و بخشی دیگر برخاسته از تعدد خود ریشه‌ها در سابقه تاریخی زبان عربی است. این واقعیت که عزم به عنوان یک وام‌واژه از همان سده‌های متقدم هجری وارد زبان فارسی شده است نیز بر مشکلات افزوده و احساس وضوحی که مخاطبان فارسی زبان از ماده عزم داشته‌اند، به مثابه مانعی در راه تدقیق معنای واژه عمل کرده است. ای در حالی است که مفهوم درک شده از عزم و عزم کردن در فارسی، گاه در سیاق آیات گنجایش ندارد و گاه گمراه کننده است.

طیف گسترده‌ای از مفسران، از صاحبان تفسیر ترتیبی و مترجمان قرآن کریم، تا نویسندگان کتب وجوه و نظایر و مفردات قرآن، درگیر بیان معنا و ارائه معادل‌هایی

برای عزم در قرآن کریم بوده‌اند و در این مسیر، همنامی‌ها^۱ و چندمعنایی‌های^۲ موجود در این ماده، زمینه را برای مطرح شدن طیف گسترده‌ای از معادل‌ها فراهم آورده است. در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا نشان دهیم در آثار اهل تفسیر، کدام یک از گونه‌های معنایی،^۳ مورد توجه قرار گرفته‌اند و چه نسبتی میان اقوال تفسیری با معنایی ریشه‌ای در این ماده برقرار است. در این راستا، کوشش در مقاله حاضر بر آن است که تفسیرهای مختلف قرآن کریم، و ترجمه‌های کهن فارسی در خصوص آیات مربوط به عزم کاویده شوند و از خلال آنها، تنوع موجود در خصوص معنایی مورد نظر مفسران و مترجمان استخراج گردد و سپس بر اساس طبقه‌بندی برآمده از خود داده‌ها، یک گونه‌شناسی ارائه شود که بتواند مبنایی برای نقد و ارزیابی نیز باشد.

روش به کار گرفته شده در مقاله، مطالعه تطبیقی متون و تحلیل محتوای آنها با الگوی داده‌بنیاد است؛ به طوری که اطلاعات به دست آمده از مقایسه و تحلیل، پس از به دست آمدن همگرایی‌ها و واگرایی‌ها، مقدمه دست‌یابی به یک گونه‌شناسی انتقادی گردد. برای پیشبرد بحث، مؤلف به طور غیر مستقیم از روش گونه‌شناسی ساخت معنا در حوزه زبان‌شناسی تاریخی نیز بهره گرفته است.

۱. معنای استوار بودن و معنای مرتبط

در این بخش آن دسته از معنایی مورد بحث قرار می‌گیرند که به تعبیر مختلف عربی و فارسی، بر محور معنای فعلی استوار بودن/کردن، اعم از لازم و متعدی گرد آمده‌اند. این موارد به تفصیل عبارتند از:

۱-۱. استوار بودن/شدن

در ترجمه‌های فارسی قرآن، در برگردان واژه «عزم» - آنجا که در قرآن کریم کاربرد اسمی دارد - واژه استوار بسیار کارآمد و پسندیده تلقی می‌شده است؛ این برگردان در ترکیب‌های «مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» و «أُولُوا الْعَزْمِ» هر دو دیده می‌شود. ترجمه عزم در عزم الامور بر اساس تحلیل وصفی به استوار را می‌توان در این آیات بازجست: لقمان: ۱۷ (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۷۷، گزینه^۴)، شوری: ۴۳ (فرهنگ‌نامه)^۵.

با همان تحلیل وصفی ترجمه به استوارترین هم در مواردی دیده می‌شود، مانند: آل‌عمران: ۱۸۶ (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۲۶۶)، لقمان: ۱۷ (فرهنگ‌نامه)، شوری: ۴۳ (ترجمه قرآن موزه پارس، ۱۳۵۵، ص ۲۵۲، گزینه). ترجمه عزم در همان کاربرد بر اساس تحلیل اضافی به استواری که در این موارد دیده می‌شود: آل‌عمران: ۱۸۶ (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۶۹؛ کاشفی، مواهب، ص ۱۵۷؛ کاشانی، منهج، ج ۲، ص ۳۹۷؛ ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۶۱؛ فرهنگ‌نامه)، لقمان: ۱۷ (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۴۸۳)، احقاف: ۳۵ (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۶، ص ۱۴۸۶).

در آیه طه: ۱۱۵ نیز سیاق، اقتضای معنای اسمی و نه وصفی دارد و لذا ترجمه رایج "استواری" است (همان، ج ۴، ص ۹۹۸؛ تفسیری بر عسری، ۱۳۵۲، ص ۱۴۶، گزینه؛ ترجمه قرآن موزه پارس، ۱۳۵۵، ص ۲۴؛ فرهنگ‌نامه). تنها برخی نسخ در این آیه عزم را به استوار ترجمه کرده‌اند (ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۲۷۱، گزینه؛ فرهنگ‌نامه) که در آنها استوار اگر خطای نوشتاری نباشد، به معنای اسمی و نه وصفی، یعنی به معنای استواری است که لغتی نامأنوس در فارسی است (نک: معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۶۱).

با همان تحلیل‌های وصفی و اضافی یاد شده، گاه به جای استوار و استواری، تعبیر استوارکار و استوارکاری نیز به کار رفته است. استوارکاران در آیه آل‌عمران: ۱۸۶ (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۵)، شوری: ۴۳ (همان، ج ۲، ص ۹۱۶، گزینه)، استوارکاری در احقاف: ۳۵ (ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۴۳۴؛ فرهنگ‌نامه) و "استوارشدن" در برگردان کاربرد فعلی عزم در آیه محمد: ۲۱ (ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۴۳۷؛ فرهنگ‌نامه).

معادل‌های دیگر که معنایی نزدیک به استوار دارند و ملحق به همین گونه ساخت هستند، عبارتند از: در کاربرد اسمی "ثبات" در آیه احقاف: ۳۵ (کاشفی، مواهب، ص ۱۳۸، گزینه؛ مواهب، ۱۸۶۷، ص ۳۱۳)، مُحکَم در آیه آل‌عمران: ۱۸۶ (همان، ص ۴۵)، "استاده" (ایستاده) در آیه لقمان: ۱۷ (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵ ص ۲۷۸)، "أَشَدَّ" (سخت‌ترین) در آیه آل‌عمران: ۱۸۶ (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۱، گزینه) و در کاربرد فعلی "سخت گشتن" در آیه محمد: ۲۱ (فرهنگ‌نامه).

۲-۱. شکیبایی کردن

ارائه تفسیری از عزم به صبر و شکیبایی در میان مفسران متقدم، نزد قتاده (د ۱۱۸ق) و مقاتل بن سلیمان (د ۱۵۰ق) دیده شده و همین امر زمینه توجه مفسران پسین به این معنا را - به صورت محدود - فراهم آورده است. در میان علمای وجوه و مفردات که در سده‌های ۵ و ۶ به تنوع معنایی واژه عزم توجه کرده‌اند، صبر به عنوان یکی از معانی این واژه قرآنی مطرح شده است (مثلاً دامغانی، الوجوه، ص ۳۴۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵، ص ۳۵۴).

در میان مفسران و مترجمان از سده ۴ق، چنین تفسیری از عزم در برخی آیات دیده می‌شود، مانند: طه: ۱۱۵ (تفسیری بر عسری، ۱۳۵۲، ص ۱۴۶، گزینه؛ ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۲۷۱، گزینه)، لقمان: ۱۷ (ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴، ص ۱۴۹؛ مکی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۵۷۲۹)، شوری: ۴۳ (ابوليث، تفسیر، ج ۳، ص ۲۴۷). ترجمه عزم به پایداری در یک ترجمه نیز می‌تواند به همین طیف معنا الحاق گردد (فرهنگ‌نامه).

۳-۱. جدیت داشتن

دیگر معنای ملحق به این گونه معنایی، عزم به معنای جدیت داشتن است. چنین تفسیری از عزم قرآنی، نزد مفسران متقدم چون مجاهد، حسن بصری و مقاتل بن سلیمان دیده می‌شود (مقاتل، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۳۸؛ طبری، ۱۴۰۵، ج ۲۶، ص ۵۵) و دوام این برداشت نزد مفسران سده‌های میانه نیز گاه دیده می‌شود.

به ندرت تفسیر صورت اسمی عزم به جدّ، مانند: آل عمران: ۱۸۶ (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۴۷)، طه: ۱۱۵ (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۸۶، گزینه)، شوری: ۴۳ (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۶، گزینه)، احقاف: ۳۵ (کاشفی، مواهب، ص ۱۱۳۸، گزینه) و بیشتر تفسیر صورت فعلی عَزَمَ به جَدَّ در آیه محمد: ۲۱ (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۱۸؛ ابوليث، تفسیر، ج ۳، ص ۳۰۳، گزینه؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵، ص ۳۵۶) قابل مشاهده است. در ترجمه‌های فارسی آیه اخیر هم تعبیر جدّ شدن (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۶) و به جدّ شدن (ابوالمحاسن جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۱۶، گزینه) دیده می‌شود.

۴-۱. استوار کردن

در شاخه استوار کردن، اعم از تثبیت چیزی از جانب خداوند یا انسان، می‌توان اقوالی از علمای قرآنی را مورد توجه قرار داد؛ برخی از این اقوال در ادامه بحث در قالب معانی مرتبط با این گونه، بررسی خواهند شد، اما تفسیرهایی که مشخصاً از واژه‌ای از ماده ثبات استفاده کرده‌اند هم وجود دارند؛ مانند: تفسیر فعل عزم به ثبوت رأی بر چیزی در آیه آل عمران: ۱۵۹ (مکی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۱۶۰) و تفسیر عزم به اثبات در آیه احقاف: ۳۵ (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۵۵).

به این موارد باید تفسیر ابن وهب دینوری (د ۳۰۸ق) در آیه (آل عمران: ۱۵۹) که عَزَمَ را به معنای "ضَرَبَ عَلَى الشَّيْءِ"، گرفته است (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۳۰) و تعبیر فارسی "فرا کار نشستن" به معنای ثبات یافتن در ترجمه آیه محمد: ۲۱ را علاوه کرد (میبیدی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۱۸۷، گزینه).

به عنوان شاخه‌های فرعی از معنای استوار کردن، دو معنای ذیل نیز در متون تفسیر و ترجمه اهمیت ویژه دارند:

الف) محقق ساختن و حق شمردن: تحقیق که در تعبیر فارسی گاهی محقق ساختن و گاهی حق شمردن چیزی است، در واقع محصول تزییق معنایی در استوار کردن است که برخی از علمای تفسیر از آن به عنوان یکی از معانی عزم سود برده‌اند. در کتب وجوه و نظایر "تحقیق" را به عنوان یکی از معانی عزم برشمرده‌اند و مورد مشترک جستن این معنا در آن آثار در "إن عزموا علی الطلاق" (بقره: ۲۲۷) دیده می‌شود (حیری، ۱۹۹۶، ص ۲۳۷؛ دامغانی، الوجوه، ص ۳۴۱). البته ابو عبدالرحمن حیری (د بعد ۴۳۰ق) در آیات دیگر مانند بقره: ۲۳۵، آل عمران: ۱۸۶ و لقمان: ۱۷ نیز به همین معنا قائل شده است (حیری، همانجا).

در میان مفسران کسانی در طی سده‌های ۳ تا ۸ق، در تفسیر آیه بقره: ۲۲۷ عزم به طلاق را به تحقیق طلاق تفسیر کرده‌اند (ابن وهب، ۱۴۲۴، ص ۷۴؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۹۸؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۷؛ ابن ملقن، ۱۴۰۸، ص ۸۱). تفسیر مشابهی نزد بغوی در آیه بقره: ۲۳۵ هم دیده می‌شود (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۱۷). در ترجمه‌های

فارسی، نسفی با ملحوظ داشتن معنای تحقیق برای عزم در آیه بقره: ۲۲۷، آن را به فعل نامأنوس "حقیقت کردن" برگردانده است (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۲).

در همین مسیر، باید به مواردی اشاره کرد که تحت تأثیر همین ارتباط، در کاربرد اسمی واژه حق به عنوان معادل عزم گزیده شده است. از آن جمله است: آل عمران: ۱۸۶ (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۴۹، گزینه)، لقمان: ۱۷ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶، گزینه)، شوری: ۴۳ (حیری، ۱۹۹۶، ص ۲۳۷، گزینه). گاه نیز در آیه آل عمران: ۱۸۶، واژه حقیقت یا حقایق به جای آن نشسته است: "حقائق الامور" (ابوليث، تفسیر، ج ۱، ص ۲۷۲، گزینه) و "حقیقة الايمان"، منقول از عطاء بن ابی رباح (د ۱۱۴ق) (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۴۵۶؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۴۹).

ب) واجب کردن: در اصطلاح متشرعه، در گسترش معنای استوار کردن - این بار از جانب خداوند - عزمه به معنای امر واجب گردانیده شده، و عزمه، با جمع عزائم برای امر واجب ساخته شده است. این اصطلاح به کتب لغت نیز راه یافته است (فیروزآبادی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۱۵۰؛ صفی پوری، ۱۲۹۶، ج ۳، ص ۸۲۹-۸۳۰). در اصطلاح مشهور نزد علمای اسلامی، عزم اشاره به اوامر غیر قابل تخلف تشریعی نیز داشت و بدین معنا در مقابل رخصت به عنوان امر قابل تخلف قرار می‌گرفت (طبری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۵۵)؛ اما در سده‌های میانه و متأخر، بیشتر از عزمه در مقابل رخصه استفاده شده است (مثلاً نک: زرکشی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۶۰).

بر این پایه، در تفسیرها و ترجمه‌های قرآن کریم، در کاربردهای اسمی، گاه عزم به واجب ترجمه شده است، مانند: لقمان: ۱۷ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶؛ کاشفی، موهب، ص ۹۱۴؛ موائد، ۱۸۶۷، ص ۲۵۸) و شوری: ۴۳ (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۱۱۷). در آیه سوره لقمان ترجمه به واجب تر هم دیده می‌شود (ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۳۵۰، گزینه). در کاربرد فعلی هم، در آیه بقره: ۲۲۷ تفسیر به "أَوْجَبَ" (ابوليث، تفسیر، ج ۱، ص ۱۵۰) و در آیه محمد: ۲۱ تفسیر به "وجب" (همان، ج ۳، ص ۳۰۳، گزینه) دیده می‌شود. گاه مفهوم واجب و وجوب با تعابیر دیگر بیان شده است: در آیه لقمان: ۱۷ به تعبیر "مفروضات" (کاشانی، منهج، ج ۷، ص ۲۱۱)، در همان آیه "آنچه خداوند بدان دستور داده است" (ماوردی، ۲۰۰۷، ج ۴، ص ۳۳۸، گزینه: ما امر الله به)، در

آیه محمد: ۲۱ به تعبیر لازم شدن "امر" (کاشفی، مواهب، ص ۱۱۴۴)، در همان آیه به تعبیر جزم شدن امر و لازم گشتن حکم (کاشانی، منهج، ج ۸، ص ۳۵۰)، و سرانجام در آیه آل عمران: ۱۵۹ تعبیر فارسی "کار بایستی" (فرهنگ‌نامه).

۱-۵. عزم به معنای نگاه داشتن

تفسیر عزم به نگاه داشتن و حفظ از سوی عبدالرحمن بن زید، عطیه بن سعد (د ۱۱۱ق) و سفیان ثوری (د ۱۶۱ق) از مفسران متقدم و حتی در نقلی از ابن عباس، در خصوص آیه (طه: ۱۱۵) مطرح شده بود (سفیان ثوری، ۱۴۰۳، ص ۱۹۷؛ طبری، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۲۲۱؛ مکی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۷۰۶). انتظار آن است که این دیدگاه در آثار تفسیری پسین با استقبال فراوان روبه‌رو شده باشد، ولی در عمل تنها تأثیر محدودی از آن دیده می‌شود.

ابوليث سمرقندی (د ۳۷۳ق) این معنا را در تفسیر آیه یاد شده برگزیده (ابوليث، تفسیر، ج ۲، ص ۴۱۴) و راغب اصفهانی هم بر پایه همان روایات، در سخن از آن آیه، عزم را به معنای "محافظت بر امر خداوند و عزیمت بر قیام به آن" گفته است (راغب اصفهانی، ۱۹۶۱، ص ۳۳۴). از ترجمه‌های فارسی کهن هم، تنها در نمونه‌های محدود در آن آیه، عزم را به "نگاه‌داشت" برگردان کرده‌اند (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۸۶؛ فرهنگ‌نامه).

همچنین تفاسیری با استفاده از الفاظ دیگر به جز حفظ وجود دارد که به سبب نزدیکی ملحق به این معناست. از جمله مفضل بن سلمه لغوی (د بعد ۲۹۰ق) در آیه لقمان: ۱۷، عزم را به "ضبط" تفسیر کرده است (ماوردی، ۲۰۰۷، ج ۴، ص ۳۳۸). که تفسیری نادر است.

۲. معنای قصد کردن و تصمیم گرفتن

در این بخش آن گروه از معانی مورد بحث قرار می‌گیرند که در زبان عربی یا فارسی، معادل قصد کردن و تصمیم گرفتن، یا معنایی بسیار نزدیک به آن دو باشند. در باره این گروه از معانی باید اشاره شود که کاربرد ماده عربی عزم برای آنها، در عربی

کهن ریشه ندارد؛ و در شاخه‌های مختلف زبان‌های سامی، تنها در شاخه شمالی مرکزی، مانند عبری و آرامی این معنا دیده می‌شود (Gesenius, 1955, p. 273). نگارنده در پژوهشی مستقل از منظر زبان‌شناسی تاریخی نشان داده است که این معنا در زبان عربی اصیل نیست و باید حاصل تأثیرپذیری از زبانی دیگر در دوره مابعد قرآنی باشد.

باید گفت غلبه معنای قصد کردن و تصمیم گرفتن بر ماده عزم و مهجور شدن معنای استوار بودن/کردن در دوره تدوین تفسیر، به ویژه در ذیل آیه محمد: ۲۱ بازنمود یافته است. ابوزکریا فراء (د ۲۰۷ق) پیشوای کوفیان در ادب، نخستین شخص شناخته شده در منابع است که در برخورد با عبارت "عَزَمَ الامرُ" در آیه مورد بحث، با گراییدن به مجاز، اشاره می‌کند عزیمت از آن انسان است و اهل عزم‌اند که می‌توانند فاعل عزم باشند (فراء، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۱۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۱۵). معاصر بصری وی، ابوعبیده مَعَمَر بن مُثَنَّى (د ۲۱۰ق) که تحقیق گسترده‌ای درباره مجازات قرآن دارد، در آیه مورد نظر هیچ مجازی در کاربرد احساس نکرده است (ابوعبیده، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۱۵).

به دنبال فراء، ابن قتیبه دینوری (د ۲۷۶ق) و ابوجعفر طبری (د ۳۱۰ق) دیدگاه وی را تکرار کرده‌اند (ابن قتیبه، ۱۴۲۳، ص ۸۶؛ طبری، ۱۴۰۵، ج ۱۵، ص ۲۹۰). با توجه به وجود چنین دیدگاهی نزد این چهره‌های شاخص قرن سوم، می‌توان نتیجه گرفت که مهجوریت گونه معنایی الف و شهرت گونه معنایی ب در اواخر سده در آخرین مراحل خود بوده است. در سده ۴ق، ازهری این تحلیل را بازگو کرده (ازهری، ۲۰۰۱، ج ۱۳، ص ۳۸) و شریف رضی (د ۴۰۶ق) به تفصیل مجاز را شکافته است.

وی که بیان این آیه را استعاره می‌شمارد، بر این باور تکیه دارد که عزم در معنای حقیقی خود جز از انسان ممیز صادر نمی‌شود، انسانی که بر انجام دادن کاری قبل از وقت آن "توطین نفس" کند و مشیت خود را بر تحقق بخشیدن آن فعل ببندد (شریف رضی، ۱۹۵۵، ص ۳۰۸)؛ گویی احتمال دیگری برای معنای عزم که به جز قصد و تصمیم باشد برای او منتفی بوده است.

در سده‌های ۵ و ۶ نیز شماری از مفسران و ادیبان نامدار این تحلیل را پسندیده و تکرار کرده‌اند و در سده‌های بعد نیز کمابیش هواداران خود را داشته است (مکی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۷۲؛ ابن سیده، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۵۳۳؛ ابن سید بطلیوسی، ۱۴۰۳، ص ۹۱؛ ابن انباری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۳۷۵؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۸).

۱-۲. عزم به معنای قصد کردن

از آنجا که این معنا برای ماده عزم در عربی نخواستہ است، به نحوی قابل انتظار در تفاسیر متقدم اثری از چنین معنایی برای عزم دیده نمی‌شود؛ اما تفاسیر و ترجمه‌ها از سده‌های ۵ به بعد به طور گسترده بدان توجه کرده‌اند. ابو عبدالله دامغانی (د ۴۷۸ق) در وجوه قرآن، در بحث از واژه عزم، یکی از معانی آن را قصد می‌داند؛ مانند کاربردی که در آیه "فإذا عزم فتوکل" (آل عمران: ۱۵۹) دیده می‌شود (دامغانی، الوجوه، ۳۴۱؛ قس: حیری، ۱۹۹۶، ص ۲۳۷).

معاصر وی عبدالقاهر جرجانی (د ۴۷۱ق) در آیات بقره: ۲۲۷ و بقره: ۲۳۵ که عزم کاربرد فعلی دارد، آن را به قصد تفسیر کرده است (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۲۳، ۳۳۱). همزمان با آن دو یا اندکی بعد، در یک تفسیری کهن در آیه بقره: ۲۳۵، عزم در کاربرد فعلی، به قصد کردن ترجمه شده است (بخشی از تفسیری کهن، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۴؛ در باره زمان تألیف، نک: آذرنوش، ۱۳۷۵، ص ۹۷).

در ترجمه‌های فارسی سده ۶ق، عمر بن محمد نسفی در بقره: ۲۳۵ و طه: ۱۱۵ و رشیدالدین میبدی در شوری: ۴۳ عزم را به قصد کردن برگردانده‌اند (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۷۶، ۶۰۲؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۶، گزینه). برگردان به قصد و قصد کردن ذیل آیات مختلف، در ترجمه‌های فارسی سده‌های متأخر بار دیگر اوج گرفته است: بقره: ۲۲۷ (کاشفی، موهب، ص ۷۳؛ کاشانی، منهج، ج ۲، ص ۱۱؛ موائد، ۱۸۶۷، ص ۲۲)، بقره: ۲۳۵ (کاشفی، موهب، ص ۷۸؛ ابوالفتح حسینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۸۱؛ موائد، ۱۸۶۷، ص ۲۴) و آل عمران: ۱۵۹ (کاشفی، موهب، ص ۱۴۹؛ کاشانی، منهج، ج ۲، ص ۲۶۵).

استفاده از معادل فارسی آهنگ کردن به معنای قصد کردن برای برگردان عزم نیز ذیل آیات مختلف از سده ۶ ق دیده می‌شود. از جمله بقره: ۲۲۷ (فرهنگ‌نامه)، بقره: ۲۳۵ (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۹۴)، آل عمران: ۱۵۹ (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۲۱؛ نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۸؛ فرهنگ‌نامه) و احقاف: ۳۵ (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۵۸). در موارد محدودی هم ترجمه‌ها از تعبیر "نیت کردن" با معنای بسیار نزدیک به قصد کردن استفاده کرده‌اند؛ از جمله در بقره: ۲۲۷ (شنقسی، ۱۳۵۵، ص ۴۴) و آل عمران: ۱۵۹ (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۲۶۱) که مورد اخیر کهن‌تر از منابع ارائه شده در باره اصل معنای قصد کردن است.

۲-۲. عزم به معنای تصمیم گرفتن

در ادامه تحلیلی که شمر بن حمدویه هروی (د ۲۵۵ق) از عزم به "ما عقد علیه القلب" ارائه کرده است (هروی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۲۷۱)، راغب اصفهانی (د ح ۵۰۲ق) هم عزم و عزیمه را به معنای "بستن قلب بر انجام دادن کاری" دانسته (راغب اصفهانی، ۱۹۶۱، ص ۳۳۴: عقد القلب علی إضاء الأمر)، شهرستانی (د ۵۴۸ق) عزم را "توطین نفس" و بستن قلب بر چیزی انگاشته (شهرستانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۸۷؛ نیز نک: شریف رضی، ۱۹۵۵، ص ۱۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۶۹)، و امام فخر رازی (د ۶۰۶ق) عزم را بستن قلب بر چیزی شمرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۲۹).

در همین راستا، شیخ طبرسی (د ۵۴۸ق)، معنای نقیض عزم را تلون در رأی دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۰۰). مکی بن ابی‌طالب (د ۴۳۷ق) هم در تفسیر عزم در آیه بقره: ۲۲۷ آن را در معنا و صورت‌بندی همانند واژه اعتقاد دانسته است (نک: مکی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۷۵۷). با توجه به نوخاسته بودن این معنا در زبان عربی، این موارد در تفاسیر عربی بسیار محدود هستند. در ترجمه‌های فارسی تحلیل ارائه شده از سوی شمر بن حمدویه و اتباع او، به پللی مبدل گشته که برای ایرانیان واژه قرآنی عزم را با تعبیر "دل (بر کاری) نهادن" پیوند زده و آن را به معادلی پرکاربرد برای عزم مبدل ساخته است.

برگردان عزم به دل نهادن را دست کم از سده ۵ ق می‌توان در ترجمه آیه‌های مختلف قرآن بازجست: بقره: ۲۲۷ (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴۷؛ ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۲۹؛ فرهنگ‌نامه)، بقره: ۲۳۵ (اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۸؛ ابوالمحاسن جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۹؛ ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۳۱)، آل عمران: ۱۵۹ (شنقسی، ۱۳۵۵، ص ۹۲؛ ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۵۸؛ فرهنگ‌نامه)، طه: ۱۱۵ و محمد: ۲۱ (همانجا).

گاه به جای آن تعبیر به دل داشتن در بقره: ۲۲۷ (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۴۰)، دل دادن در لقمان: ۱۷ (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۹۴، گزینه)، دل بستن در آل عمران: ۱۸۶ (فرهنگ‌نامه) و دل کردن در طه: ۱۱۵ (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۷۴) نیز دیده می‌شود. تفسیر عزم و ابواب مزید آن به معنای دل نهادن در فرهنگ‌های فارسی هم دیده می‌شود (مثلاً صفی‌پوری، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۸۳۰؛ سیاح، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۱۱۵).

۳. معانی پراکنده با تأیید واژگانی

در این بخش از مقاله، به آن گروه از معانی پرداخته می‌شود که در گوشه‌های کتب لغت به آنها اشاره شده و از نظر ریشه‌شناسی نیز قابل تأیید هستند، ولی بازتاب آنها در تفاسیر و ترجمه‌ها به ندرت دیده می‌شود؛ مانند:

۳-۱. معنای سوگند دادن

عزم به معنای سوگند دادن در لغت عرب وارد شده است (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۲، ص ۸۱۷؛ فیروزآبادی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۱۵۰). تنها نمونه یافت شده ترجمه واژه عزم به تعبیر "سوگند رفتن" در آیه بقره: ۲۲۷ است که برخلاف انتظار فعل لازم و نه متعدی است؛ ترجمه نادر مربوط به اثری در سده ۵ ق است که می‌تواند ثمره فقهی ویژه ای را هم بر آیه بار کند (بخشی از تفسیر کهن، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۰).

۲-۳. معنای نزدیک شدن

واژه‌های از ماده عزم با مؤلفه معنایی نزدیک در لغت عرب وارد شده است (مثلاً ازهری، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۹۲؛ فیروزآبادی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۱۸۰). در باره این معنا باید گفت ابن‌قتیبه دینوری (د ۲۷۶ق) فعل عزم در آیه "لا تعزموا عقدة النکاح" (بقره: ۲۳۵) را به معنای "لا تواقعوا عقدة النکاح" دانسته که مرتبط با همین معناست (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱، ص ۹۰)، یعنی بدان نزدیک نشوید و تن نسایید.

۳-۳. معنای بریدن

لغویان به معنای بریدن برای ماده عزم اشاره کرده‌اند (ابوهلال، ۱۴۱۸، ص ۱۲۴؛ ابن‌فارس، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۰۸). در ادامه مباحث آنان، زمخشری در تفسیر خود بر این نکته کلی که عزم در حقیقت معنای قطع دارد، پای فشرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۴؛ نیز فیروزآبادی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۱۴۹). از دیگر مفسران، ماوردی به عنوان یکی از گزینه‌ها در تفسیر آیه لقمان: ۱۷ عزم را به معنای قطع گرفته (ماوردی، ۲۰۰۷، ج ۴، ص ۳۳۸) و یحیی بن سلام (د ۲۰۰ق) در همان آیه عزم را به "ان تصرف" یا در واقع "صرف" تفسیر کرده است (یحیی بن سلام، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۶۷۶) که معنایی بسیار نزدیک به قطع دارد. البته باید توجه داشت مجموع این موارد، نشان از توجه اندک مفسران به این شاخه معنایی دارد و عملاً در ترجمه‌ها نیز بازتاب این معنا دیده نمی‌شود.

۴. ایجاد رابطه میان «عزم» و «حزم»

واژه حزم در عربی به معنای محکم بستن و تنگ بستن، و در گسترش استعاری به معنای هوشیار بودن و زیرک بودن است (ابن‌منظور، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۳۱؛ صفی‌پوری، ۱۲۹۶، ج ۱، ص ۲۴۳) و به طبع، با اشتراکی که در مؤلفه معنایی بستن با ریشه الف از ماده عزم دارد، می‌تواند در همسنجی با آن قرار گیرد. نمونه‌های متعددی از زبانزدها، عبارات ادیبانه و حتی احادیث دیده می‌شود که در آن عزم و حزم به عنوان دو معنای نزدیک به هم و مکمل، به یکدیگر عطف شده‌اند (مثلاً خلیل، ۱۹۷۱، ج ۱،

ص ۶۷؛ کلینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۲۹؛ خطابی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۱۸؛ آبی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۱۸، ج ۵، ص ۱۷).

ابوعمر و جاحظ (د ۲۵۵ق) اثری با عنوان "کتاب الحزم و العزم" داشته است (ابن ندیم، ۱۳۵۰، ص ۲۱۱). عبدالملک اصمعی (د ۲۱۶ق) از یک اعرابی نقل می‌کند که می‌گفت: "نیک‌بخت‌ترین زیرکان کسی است که با زیرکی (حزم) خود عزم را همراه کند" (خطابی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۱۹: أسعدُ الحزْمَةُ من جمع إلى حزمه عزمًا). در روایات، متن مکالمه‌ای میان عمر بن عبدالعزیز (د ۱۰۱ق) با خلیفه عبدالملک بن مروان (د ۸۶ق) آمده است حاکی از آن که عبدالملک فرقی میان حزم و عزم نمی‌دید و عمر کوشیده است با تمسک به یک شعر، خلیفه را به فرق میان آن دو آگاه سازد:

لیسَتْ تَكُونُ عَزِيمَةً مَا لَمْ يَكُنْ
مَعَهَا مِنَ الرَّأْيِ الْمَشِيدِ رَافِعٌ

(راغب اصفهانی، ۱۳۲۶، ج ۱، ص ۸)

ابوسلیمان خطابی (د ۳۸۸ق) از عالمی پیشین نقل می‌کند که حزم مهیا شدن برای کاری است و عزم اقدام بدان و در این باره به ضرب المثلی اشاره می‌کند با این مضمون که "حزم پیشه کن، و آنگاه که امور بر تو روشن شد، عزم کن" (خطابی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۱۹: تَحَزَّمْ، فَإِذَا اسْتَوْضَحَّتْ فَأَعَزَّمْ). وی به عنوان دیدگاه خود حزم را به معنای خودداری و عزم را به معنای توان می‌گیرد و به این ضرب المثل تمسک می‌کند که "خیری نیست در اقتدار بدون خودداری" (خطابی، همانجا: لا خیر فی عزم بلا حزم).

در میان مفسران دست کم از سده ۴ق به بعد، بسیاری کسانی که عزم را در برخی از کاربردهای قرآنی، مترادف حزم شمرده‌اند؛ ابن‌وهب دینوری (د ۳۰۸ق) بارها عزم را به حزم تفسیر کرده (نک: سطور بعد) و محمد بن حسن نقاش (د ۳۵۱ق) به صراحت عزم را به معنای حزم شمرده و با اشاره به این که حاء در اینجا مبدل از عین باشد، میان آن دو رابطه‌ای از نوع اشتقاق کبیر قائل شده است (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۱).

ابوعبید هروی (د ۴۰۱ق) این قول را در تقابل با قول قتاده به عنوان یکی از دو نظر اصلی در باره معنای قرآنی عزم ذکر کرده است (هروی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۲۷۱). این نگرش تا آنجا که است در همان قرن، ابواسحاق ثعلبی حتی به نقل آن از ابن‌عباس به این برابری اشاره می‌کند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۳۱۴).

همچنین در میان نویسندگان وجوه و نظایر، دامغانی در آیه "إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ" (لقمان: ۱۷) عزم را به معنای حزم دانسته (دامغانی، الوجوه، ص ۳۴۱) و در عبارت آشفته حیری نیز احتمالاً معنای سوم عزم که به تفسیر "إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ" (شوری: ۴۳) بازگردانده شده (حیری، ۱۹۹۶، ص ۲۳۷) و "عزم" ضبط شده، تحریفی از حزم است. این در حالی است که به تبع عدم موافقت لغویان، برخی از محققان اهل قرآن و حدیث نیز با برابرنگاری آنها به مخالفت برخاسته‌اند. از جمله قاضی ابن عطیه اندلسی قول نقاش را خطا می‌شمارد و در بیان فرق، حزم را عبارت از نظر نیک در امور و تنقیح آن و پرهیز از خطا در آن شمرده و عزم را به قصد اقدام بازگردانده است (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۱).

به هر روی، چنین کاربردی نزد لغویان ثابت نشده است و کسی چون ابوالطیب لغوی که به تفصیل موارد ابدال میان حاء و عیان را بیان کرده‌اند، نیز به چنین رخدادی در باره عزم و حزم اشاره نکرده است (نک: ابوالطیب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۹۲ ب). بر پایه آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد تفسیر عزم به حزم در سده‌های متقدم ناشی از یک ریشه‌شناسی عامیانه بوده و نزد محققان بر خطا بودن آن تأکید شده است.

با وجود آن که مفسری چون ابوالحسن ماوردی قول پیش یاد شده از خطابی را در تفاوت میان حزم و عزم، در تفسیر آیه «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷) برگزیده و نقل کرده (ماوردی، ۲۰۰۷، ج ۶، ص ۳۳۸)، اما در تفاسیر و ترجمه‌های قرآن در طی سده‌های متمادی، این فهم از معنای عزم در طول سده‌ها اهمیت خود را کمابیش حفظ کرده است.

توضیح عزم به حزم در تفسیر آیات مختلف بازتاب یافته است، مانند: آل عمران: ۱۸۶ (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۳۶)، طه: ۱۱۵ (همو، ج ۲، ص ۱۵؛ تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۸۶، گزینه؛ ابن جوزی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۷۹)، لقمان: ۱۷ (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۵۹، گزینه؛ ابوالمحاسن جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۷۰)، شوری: ۴۳ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۲۳؛ تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۱۴۱) و احقاف: ۳۵ (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۱۳، گزینه؛ ابوليث، تفسیر، ج ۳، ص ۲۹۴؛ تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۰۵).

فراتر از تفاسیر، جایگاه این برابرنگاری در ترجمه‌های فارسی هم درخور توجه است. افزون بر طیفی از ترجمه‌های فارسی که از همان واژه عربی حزم سود برده‌اند (سطور پیش)، برخی هم از معادل‌های فارسی حزم، یعنی هشیاری، زیرکی و بیداری استفاده کرده‌اند، از جمله: ترجمه عزم در ترکیب عزم الامور در آیه آل عمران: ۱۸۶ به هشیاری (فرهنگ‌نامه، گزینه)، ترجمه همان ترکیب در آیه لقمان: ۱۷ به "کار هشیاران" (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۹۴، گزینه) و در آیه شوری: ۴۳ به "خصلت‌های زیرکان و بیداران" (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۱۶، گزینه) و ترجمه معنای اسمی عزم در آیه احقاف: ۳۵ به هشیاری (فرهنگ‌نامه).

آنچه می‌توان به معنای حزم ملحق گردد، معنای دانستن و یقین کردن در برخی تفسیرها و ترجمه‌ها است که جایگاهی در معانی لغوی عزم برای آنها یافت نمی‌شود و حتی شاید بتوان آن را در ادامه بحث به ترجمه‌های آزاد ملحق نمود.

در ترجمه‌های فارسی برای ترکیب "عَزْمُ الْأُمُور" در آیه لقمان: ۱۷ از معادل "کارهای مرد دانای بینا" (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۷۷، گزینه) و در ترجمه معنای فعلی عزم در آیه محمد: ۲۱ از "دانستن" استفاد شده است (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۶، ص ۱۶۹۶، گزینه؛ فرهنگ‌نامه). همچنین از مفسران کهن ایرانی، ابن‌وهب دینوری با عطف واژه‌های یقین و حزم، اولوا العزم در آیه احقاف: ۳۵ را به "ذوی الیقین والحزم" تفسیر کرده است (ابن‌وهب، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۱۳).

۵. تفسیرها و ترجمه‌های فراواژگانی

در این بخش به مطالعه آن بخش از تفسیرها و ترجمه‌های ارائه شده از عزم پرداخته می‌شود که از سوی لغویان و مفسران دو سده نخست هجری حمایت نمی‌شود و بیشتر برآمده از اجتهاد مفسر است. این گونه از برداشت‌ها را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد:

۵-۱. تأثیرپذیری از شبکه معنایی زبان دیگر

در این بخش به واریسی مواردی پرداخته خواهد شد که به نظر می‌رسد نمی‌تواند مستقیماً برخاسته از لغت عربی یا عرف عالمان متقدم باشد و احتمال تأثیرپذیری از زبان‌های مجاور، یا به اصطلاح تماس زبانی وجود دارد. از جمله باید به بازگرداندن عزم به معنای اندیشیدن اشاره کرد که در ریشه‌شنایی زم وجود داشت و بازمانده‌های آن تنها در زبان‌های سامی شمال مرکزی مانند آرامی و عبری دیده می‌شد (Orel & Stolbova, 1995, No. 2607; Gesenius, 1955, p. 273).

اما هیچ نشانی از امتداد این معنا نه در ریشه‌شنایی زم و نه در ریشه‌شنایی ثلاثی عزم، مشهود نیست. همچنین در زبان‌های ایرانی در ریشه فعلی *man-* به معنای اندیشیدن، رابطه انتقالی میان اندیشیدن و تصمیم گرفتن وجود دارد (نک: قریب، ۱۳۷۴، ص ۲۰۶-۲۰۷؛ حسن‌دوست، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۶۴۸). بنابراین نسبت دادن معنای اندیشیدن و معنای مرتبط با آن به ریشه عزم، خاستگاهی عربی ندارد و ممکن است ناشی از آشنا بودن با کاربردهای ریشه اصلی آن "زم" در زبان‌های آرامی و عبری، یا به احتمال بیشتر خو داشتن با ربط معنایی اندیشیدن و تصمیم گرفتن در فضای زبان‌های ایرانی بوده باشد.

آنچه احتمال تأثیر ایرانی در ارتباط میان اندیشیدن و عزم قرآنی را قوی‌تر می‌سازد، استفاده از واژه‌ای از همان ریشه یاد شده، یعنی ریشه ایرانی *man-* به معنای اندیشیدن، تعقل و خردورزی در این ترجمه‌هاست. مشخصاً واژه مورد استفاده میثی به عنوان صورتی از واژه *menišnīg* به معنای فکور و با فکر است که به نوبه خود اسم معنایی است ساخته شده از واژه فارسی میانه *menišn* به معنای فکر و معنای ثانوی نیت و خصلت. واژه اخیر خود اسم مصدر از فعل *menīdan* به معنای فکر کردن و ملاحظه کردن است (MacKenzie, 1971, p. 55؛ حسن‌دوست، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۶۴۶).

در فارسی سده‌های نخستین اسلامی، میثی به معنای صاحب اندیشه و صاحب نیت، می‌توانست آن پل ارتباطی میان معنای نیت و اندیشه را فراهم آورد و راه انتقال از قصد داشتن به اندیشیدن در ترجمه‌های فارسی عزم را هموار سازد. در کاربرد اسمی،

واژه قرآنی عزم در آیه‌های آل‌عمران: ۱۸۶ و طه: ۱۱۵ در نمونه‌هایی از ترجمه‌های فارسی به منشی ترجمه شده است (فرهنگ‌نامه). در کاربردهای فعلی نیز، مثلاً در آیه‌های آل‌عمران: ۱۵۹ و محمد: ۲۱ استفاده از فعل ترکیبی "منشی شدن" دیده می‌شود (همانجا).

به هر حال، خاستگاه ارتباط میان اندیشیدن و عزم هر چه که باشد، تفسیر عزم حتی مستقیماً به واژه اندیشیدن در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم نمونه‌هایی دارد و در کاربردهای فعلی عزم مانند آیه آل‌عمران: ۱۵۹ (فرهنگ‌نامه) و شوری: ۴۳ (همانجا) چنین برگردانی دیده می‌شود. همچنین در کاربرد اسمی احقاف: ۳۵ عزم به خرد ترجمه شده است (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۰۵).

۲-۵. تأثیرپذیری از تحلیل‌های لغوی

در این بخش به واری‌های مواردی پرداخته خواهد شد که به نظر می‌رسد باز نمی‌تواند مستقیماً برخاسته از لغت عربی باشد و خاستگاه آن تحلیل‌های مدرسی است که در باره معنای عزم از سوی لغویان یا مفسران ارائه شده است.

یکی از نمونه‌های شاخص، تحلیل عزم به تصحیح العقد است. از جمله موارد قابل ذکر از این تحلیل عبارت شمر بن حمدویه است که با جمع چند مؤلفه، در تحلیل معنایی واژه عزم، چنین گفته است: "العزم الصبور المجدة الصالحة العقد"، یعنی زنی شکیبا، مجده و درست پیمان (ازهری، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۹۲). در ترکیب "الصالحة العقد" به کار رفته در عبارت شمر، بخش ریشه‌ای همان معنای عقد است که در یکی از اصلی‌ترین معناهای ریشه عزم، یعنی بستن دیده می‌شود و کاربرد مؤلفه صحت و تصحیح در آن، الحاقی و توضیحی است.

همچنین برخی از لغویان در توضیح واژه عزم آن را به معنای "تصحیح کنندگان مودت" تحلیل کرده‌اند (ابن منظور، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۰۱؛ فیروزآبادی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۱۵۰). شیخ طبرسی هم در آیه لقمان: ۱۷، عزم الامور را به "عقد صحیح بر عمل نیک" تفسیر کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۰۰).

ایجاد معنای فراواژگانی زمانی آغاز می‌شود که برخی از مفسران و مترجمان، با تکیه بر بخش الحاقی و توضیحی در صورت‌بندی شمر و صورت‌بندی‌های مشابه، بار معنایی موجود در آن را به عنوان معنای اصلی عزم گرفته و استخراج کرده است. در میان مفسران عربی‌نویس، این ابواسحاق ثعلبی است که در آیه بقره: ۲۳۵، لا تعزموا را به معنای "لا تصخّوا" گرفته و به صراحت از این تحلیل به عنوان معنای واژه استفاده کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۸۸). بدین ترتیب، زمینه‌ای برای پیدا شدن معنای "درست" و "راست" به عنوان معادلی برای عزم پدید آمده است.

نمونه‌های چنین ترجمه‌ای در آیات مختلف دیده می‌شود، در کاربرد اسمی ترجمه به درست، در آیه طه: ۱۱۵ (ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۲۷۱، گزینه؛ فرهنگ‌نامه) و شوری: ۴۳ (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۶، گزینه؛ ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۴۱۷؛ فرهنگ‌نامه)، درست‌تر در آیه لقمان: ۱۷ (ترجمه قرن دهم، ۱۳۸۳، ص ۳۵۰، گزینه؛ فرهنگ‌نامه)، درست‌ترین در آیه شوری: ۴۳ (همانجا)، درستی در آیه آل عمران: ۱۸۶ (همانجا) و لقمان: ۱۷ (همانجا) و ترجمه به مصدر درست کردن، در همان آیه (همانجا).

در کاربرد فعلی ترجمه به درست کردن در آیه بقره: ۲۳۵ (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۴۲)، درست شدن در آیه محمد: ۲۱ (فرهنگ‌نامه) و درست گردیدن در همان آیه (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۶، ص ۱۶۹۶، گزینه؛ ابوالمحاسن جرجانی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۱۶، گزینه).

به ندرت ترجمه کاربرد فعلی عزم به "راست کردن" در آیه بقره: ۲۲۷ (شنقسی، ۱۳۵۵، ص ۴۴، گزینه) یا ترکیب درست کردن و راست کردن در آیه بقره: ۲۳۵ (همان، ص ۴۸) دیده می‌شود.

نمونه دیگر از تأثیرپذیری از تحلیل‌های لغوی و نهادن آن به جای لغت، معنای "انجام دادن" دیده می‌شود. ابن عطیه در تبیین واژه عزم آن را به نوعی ناظر به "امضاء الامر"، یا انجام دادن کار می‌داند؛ تنها یادآور می‌شود که عزم انجام دادن کار است به شرط آن در باره آن تأمل و تنقیح صورت گرفته باشد و مرتکب کار شدن بدون تأمل عزم نیست (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۱). این در حالی است که ابوهلال عسکری در

تبيين لغوی عزم، به این نکته اشاره کرده است که عزم عبارت است از ایجاب فعلی خاص بر دیگری یا بر خود (ابوهلال، ۱۴۲۸، ص ۶۲) و ایجاب با ارتکاب و انجام دادن عمل تفاوت فراوان دارد.

به هر روی در میان مفسران سده‌های میانه، هستند کسانی که با تحلیل یاد شده، در برخی آیات عزم را به معنای انجام دادن کار گرفته‌اند. از جمله در تفسیر آیه بقره: ۲۳۵، شهرستانی عزم را به معنای مباشرت عقد دانسته و "لا تعزموا عقدة النکاح" را به معنای "لا تعقدوا النکاح" گرفته است (شهرستانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۱۳). در ترجمه‌های فارسی هم، در آیه آل عمران: ۱۸۶ ترجمه عزم به "کردنی: کردن" گاه دیده می‌شود (فرهنگ‌نامه).

معنای خواستن برای عزم نیز از حیث لغت تأیید نمی‌گردد، ولی با توجه به تحلیل‌های موجود نزد لغویان، مانند بحث ابوهلال عسکری در باره نسبت عزم و مشیت و رابطه خصوص و عموم میان آن دو (ابوهلال، ۱۴۱۸، ص ۱۲۴) برای زمینه ربط دادن معنای اراده به عزم فراهم آمده است. شواهد نشان می‌دهد که این تحلیل تا سده ۳ ق فرا می‌رود و در همین راستاست که سهل بن عبدالله تستری (د ۲۸۳ ق) در تفسیر آیه آل عمران: ۱۵۹، عزم را به معنای "اراده امضا" دانسته است (تستری، ۱۴۲۳، ص ۵۱).

در سده‌های میانه شیخ طبرسی، عزم را به اراده متقدم بر فعل بازگردانده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۰۰) و از متأخران، صاحب قاموس هم تعزم را به "اراده فعل" تحلیل کرده است (فیروزآبادی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۱۴۹).

۳-۵. تفسیر و ترجمه آزاد

در این بخش به واری‌های مواردی پرداخته خواهد شد که به نظر می‌رسد معنای ارائه شده توسط مفسران و مترجمان قرآن نه مستقیم و نه غیر مستقیم با داده‌های لغوی حمایت نمی‌شود و خاستگاه آن برداشتی آزاد بر اساس خوانشی اجتهادی و البته خلاق از متن است و در چارچوب تقیدات لفظی قرار نمی‌گیرد. تنها به طور نادر در کتب لغت دیده می‌شود که به عنوان یک "قیل"، عوازم الامور به معنای خیر الامور دانسته شده است، بدون آن که تأییدی از لغوی معینی بر آن باشد (ابن منظور، ۱۳۷۴، ج ۱۲،

ص ۴۰۰). در واقع، برگردان عزم به معنای خیر یا مترادف‌های آن هیچ مبنایی نه در کاربردهای کهن عرب و نه در ریشه‌شناسی ماده عزم ندارد، اما با این‌وجود در تفسیرها و ترجمه‌ها پربسامد است.

از آن جمله در آیه آل‌عمران: ۱۸۶ شماری از مفسران سده‌های متقدم "عزمُ الأُمور" را به "خیر الامور" برگردانده‌اند (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۳۶، گزینه؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۷۴؛ ابوليث، تفسیر، ج ۱، ص ۲۷۲، گزینه؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۴۹، گزینه). گاه نیز همین معنا را با تعبیر "احسن الامور" بیان کرده‌اند (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۱، گزینه). در ترجمه فارسی از آیه یاد شده نیز برگردان عزم به "بهین" (شنتقی، ۱۳۵۵، ص ۹۷؛ فرهنگ‌نامه) و بهتر (همانجا) دیده می‌شود.

ترکیب "عزمُ الأُمور" در آیه لقمان: ۱۷ نیز به "خیر الامور" تفسیر شده (ابن وهب، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۵۹، گزینه) و حتی ثعلبی آن را به مقاتل بن سلیمان نسبت داده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۳۱۴)، اما آنچه در نسخ چاپی از تفسیر مقاتل دیده می‌شود، "حق الامور" است (مقاتل، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۱). در ترجمه‌ها نیز واژه بهترین معادل عزم دیده می‌شود (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۹۴، گزینه؛ ترجمه قرآن موزه پارس، ۱۳۵۵، ص ۱۵۰).

در تفسیر همان ترکیب در آیه شوری: ۴۳، شیخ طبرسی "اعلی الامور" را به عنوان یک "قیل" مطرح کرده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۵۲) و در ترجمه‌های کهن فارسی، گاه معادل بهترین (تفسیر قرآن کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۱۴۱؛ ترجمه قرآن موزه پارس، ۱۳۵۵، ص ۲۵۲، گزینه؛ کاشفی، مواهب، ص ۱۰۹۳؛ فرهنگ‌نامه)، بالاترین (موائد، ۱۸۶۷، ص ۳۰۱)، و ستوده‌ترین (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ج ۶، ص ۱۶۴۳) قابل مشاهده است.

مورد دیگر از ترجمه آزاد، برگردان عزم در فارسی به "بزرگ" یا مترادف‌های آن است که اصلاً مبنای واژگانی ندارد. از جمله می‌توان به ترجمه در آیه شوری: ۴۳ به بزرگ و در آیه لقمان: ۱۷ به "مهین" اشاره کرد (فرهنگ‌نامه).

باز نمونه دیگر از ترجمه آزاد در برگردان صورت فعلی عزم در آیه محمد: ۲۱ دیده می‌شود که به "پدید آمدن" (همانجا) یا "بادید آمدن" (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۸۷،

گزینه) ترجمه شده است و هیچ تأیید لغوی ندارد. آخرین نمونه قابل ذکر، ترجمه صورت فعلی عزم به سخن گفتن و وعده دادن است که تنها در کشف الاسرار در تفسیر آیه بقره: ۲۳۵ دیده می‌شود (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۳۰).

۶. اقوال ترکیبی

یحیی بن زیاد فراء (د ۲۰۷ق)، در تفسیر آیه "ولم نجد له عزمًا" (طه: ۱۱۵)، معنای صریمۀ (قطع) و حزم را جمع آورده است (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۱۹۳؛ ازهری، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۹۱). شمر بن حمدویه با جمع بین معانی صبر، جدیت و بستن، در توضیح واژه عَزُوم، آن را به معنای زنی "شکیبا، مجلد و درست پیمان" دانسته است (همان، ج ۲، ص ۹۲: العزوم الصبور المجدة الصحيحة العقد). ابوجعفر طبری (د ۳۱۰ق)، معانی بستن، نگاه داشتن و شکیبایی کردن را جمع کرده، اصل عزم را بسته بودن قلب به چیزی شمرده ... و حفظ آن چیز و صبر بر آن چیز را از نتایج آن بستگی دانسته است (طبری، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۲۲۲: اصل العزم اعتقاد القلب علی الشیء ... و من اعتقاد القلب حفظ الشیء ومنه الصبر علی الشیء). ابواسحاق ثعلبی در تفسیر آیه "عزموا الطلاق" (آل عمران: ۱۵۹) ترکیبی از تحقیق، صدق و نیت را ارائه کرده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۶۹). عبدالقادر جرجانی جمع خاصی از حزم و جدّ ارائه می‌کند، به طوری که عزم را رفتن به سوی فعلی با حزم و تحقق بخشیدن آن با جدّ دانسته است (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۴۵۶). ابوالفرج ابن جوزی هم در تفسیر "اولوا العزم من الرسل" (احقاف: ۳۵)، عزم را به معنای حزم و صبر گفته است (ابن جوزی، ۱۴۲۵، ص ۳۵۴).

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد معنای استوار بودن: کردن و معانی مرتبط با آن که به طور گسترده مورد توجه مفسران و مترجمان برای ماده قرآنی «عزم» قرار گرفته، از حیث واژگانی متعلق به عربی قرآنی است؛ اما معانی قصد کردن و تصمیم گرفتن، در عصر تدوین شکل گرفته و انتساب آن به عربی قرآنی دور از تحقیق است، هرچند از نظر کثرت کاربرد در رتبه بعد قرار می‌گیرد. در مجموع، دور شدن از عصر عربی قرآنی

و نظام معنایی آن، موجب شده است تا نویسندگان عصر تدوین، به آسانی معانی مربوط به زبان عصر نزول را در نمی‌یافته‌اند؛ مشکلی که هم منجر به تشتت اقوال هم فرافکنی کاربردهای قرآنی به طیف‌های معنایی جدیدتر شده است.

در میان گونه‌های یاد شده برای معنای ماده «عزم»، گونه (الف) به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است که از میان فروع آن به معنای استوار شدن و استوار کردن بیشتر و به معنای شکیبایی کردن و نگاه داشتن محدودتر توجه شده است. گونه (ب)، یعنی معانی قصد کردن و تصمیم گرفتن، با وجود آن که استعمالی نوخاسته در عربی و انتساب آن به کاربردهای قرآنی دور از تحقیق است، از نظر کثرت کاربرد در رتبه بعد قرار می‌گیرد. فراتر از گونه الف، دیگر معانی که خاستگاه لغوی تأیید شده دارند، به ندرت مورد توجه قرار گرفته‌اند.

همچنین بخش قابل ملاحظه‌ای از برداشت‌ها، به خصوص در ترجمه‌های فارسی، به نوعی از چارچوب لغت خارج بوده و از سوی منابع لغوی تأیید نشده است. بازگرداندن پربسامد عزم به حزم و در رده بعد، ترجمه‌های مکرر عزم به مفاهیم نیکی، بزرگی و برخی معانی فراواژگانی دیگر، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از ذوق و برداشت آزاد به بهای دور شدن از لغت، در این باره سهم بسزایی داشته است.

مجموع آنچه یاد شد نشان می‌دهد که دور شدن از عصر عربی قرآنی و نظام معنایی آن و ایجاد گسترش‌های جدید در واژگان عربی و وام‌گیری‌ها و تماس‌های زبانی در ارتباط با زبان‌های مجاور زمینه آن را فراهم آورده است تا در عصر تدوین تفاسیر و ترجمه‌های متقدم، نویسندگان آنها به آسانی معانی مربوط به زبان عصر نزول - یعنی معانی گروه الف - را در سیاق آیات در نمی‌یافته‌اند. این دشواری از سویی منجر به تشتت اقوال آنان شده و از سوی دیگر باعث شده است تا آنان کاربردهای قرآنی عزم را به طیف‌های معنایی جدیدتر فرافکنی نمایند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آبی، منصور بن حسین، (۱۴۲۴ق) نشر الدر، به کوشش خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۷۵ش) تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، تهران: انتشارات سروش.
- ابن ابی زمین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴ق) تفسیر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۰ق) البیان فی غریب اعراب القرآن، به کوشش طه عبدالحمید طه و مصطفی السقا، قاهره: الهیئة المصریة العامة للكتاب.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۵ق) تذکره الاریب فی تفسیر الغریب، به کوشش طارق فتیح السید، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____، (۱۴۰۴ق) زاد المسیر، بیروت: المکتب الاسلامی.
- ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۷م) جمهره اللغة، به کوشش رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سید بطلیوسی، عبدالله بن محمد، (۱۴۰۳ق) الانصاف، به کوشش محمد رضوان الدایة، بیروت: دار الفکر.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۲۰۰۰م) المحکم و المحيط الاعظم، به کوشش عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عطیه، عبدالحق، (۱۴۱۳ق) المحرر الوجیز، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد، (۱۳۶۶ق) مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، مصر: مطبعة عیسی البابی الحلبی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۲۳ق) تأویل مشکل القرآن، به کوشش ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____، (۱۴۱۱ق) تفسیر غریب القرآن، به کوشش ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن ملقن، عمر بن علی، (۱۴۰۸ق) تفسیر غریب القرآن، به کوشش سمیر طه مجذوف، بیروت: عالم الکتب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵ق) لسان العرب، بیروت: دار صادر.

تنوع معنایی عزم نزد مفسران و مترجمان قرآن کریم و ارزیابی گونه‌ها ۱۷۱

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۵۰ش) الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران: کتابخانه اسدی.
- ابن وهب دینوری، عبدالله بن محمد، (۱۴۲۴ق) الواضح فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوالطیب لغوی، عبدالواحد بن علی، (۱۳۸۰ق) کتاب الابدال، به کوشش عزالدین التنوخی، دمشق: مجمع اللغة العربیة.
- ابو عبیده معمر بن مثنی، (۱۳۸۱ق) مجاز القرآن، به کوشش محمد فؤاد سزگین، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابوالفتح حسینی، (۱۳۶۲ش) تفسیر شاهی یا آیات الاحکام، به کوشش ولی الله اشراقی، تهران: بی نا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۳۷۱ش) روح الجنان و روح الجنان (تفسیر)، به کوشش محمد جعفر یاققی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ابولیت سمرقندی، نصر بن محمد، (بی تا) تفسیر القرآن، به کوشش محمود مطرجی، بیروت: دار الفکر.
- ابوالمحاسن جرجانی، (۱۳۷۸ش) جلاء الازهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، به کوشش جلال الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۲۸ق) تصحیح الوجوه و النظائر، به کوشش محمد عثمان، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- _____، (۱۴۱۸ق) الفروق اللغویة، به کوشش محمد ابراهیم سلیم، قاهره: دار العلم و الثقافه.
- ازهری، محمد بن احمد، (۲۰۰۱م) تهذیب اللغة، به کوشش محمد عوض مرعب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسفراینی، شاهفور بن طاهر، (۱۳۷۵ش) تاج التراجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بخشی/از تفسیری کهن، (۱۳۸۲ش) مؤلف ناشناخته، به کوشش مجتبی مینوی و محمد روشن، تهران: سمت.
- بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق) معالم التنزیل، به کوشش عبدالرحمان مهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ترجمه تفسیر طبری، (۱۳۵۶ش) به کوشش حبیب یغمایی، تهران: انتشارات توس.

- ترجمه قرآن (قرن دهم هجری)، (۱۳۸۳ش) مترجم ناشناخته، به کوشش علی رواقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ترجمه قرآن موزه پارس، (۱۳۵۵ش) مترجم ناشناخته، به کوشش علی رواقی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تستری، سهل بن عبدالله، (۱۴۲۳ق) تفسیر القرآن، به کوشش محمد باسل عیون السوود، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- تفسیر قرآن مجید (نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج)، (۱۳۴۹ش) به کوشش جلال متینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تفسیری بر عشری از قرآن مجید، (۱۳۵۲ش) به کوشش جلال متینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق) تفسیر الکشف و البیان، به کوشش ابومحمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، (۱۴۳۰ق) درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، به کوشش محمد ادیب شکور و طلعت صلاح فرحات، عمان (اردن): دار الفکر.
- حسن دوست، محمد، (۱۳۸۳ش) فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارس.
- حیری، اسماعیل بن احمد، (۱۹۹۶م) وجوه القرآن الکریم، به کوشش فاطمه یوسف الخیمی، دمشق: دارالسقا.
- خطابی، حمد بن محمد، (۱۴۰۲ق) غریب الحدیث، به کوشش عبدالکریم ابراهیم عزباوی، مکه: جامعه ام القری.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۲۱ق) الفقیه والمتفق، به کوشش عادل بن یوسف الغرازی، دمام: دار ابن الجوزی.
- خلیل بن احمد، (۱۹۸۲م) العین، به کوشش مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، بغداد، دار الرشید.
- دامغانی، حسین بن محمد، (بی تا) الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، به کوشش عربی عبدالحمید علی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۲۶ق) محاضرات الادباء، قاهره: المطبعة العامرة.

- _____، (۱۹۶۱م) المفردات فی غریب القرآن، به کوشش محمد سید کیلانی، قاهره: مکتبه مصطفی البابی الحلبي.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۱ق) البحر المحيط، به کوشش محمد محمد تامر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق) الکشاف، به کوشش مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربی.
- سفیان ثوری، (۱۴۰۳ق) تفسیر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سیاح، احمد، (۱۳۴۸ش) فرهنگ جامع عربی- فارسی، تهران: کتابفروشی اسلام.
- شریف رضی، محمد بن حسین، (۱۹۵۵م) تلخیص البیان فی مجازات القرآن، به کوشش محمد عبدالغنی حسن، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- شنقسی، (۱۳۵۵ش) تفسیر: گزاره از بخشی از قرآن کریم، به کوشش محمد جعفر یاحقی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، (۱۳۸۷ش) مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.
- صفی پوری، عبدالرحیم بن عبدالکریم، (۱۲۹۸ق) منتهی الارب، چ سنگی، تهران: بی نا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م) التفسیر الکبیر، اردن: دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش) مجمع البیان، به کوشش سید فضل الله یزدی طباطبایی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۰۵ق) التفسیر، بیروت: دارالفکر.
- فخر رازی، محمد، (۱۴۲۰ق) التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م) معانی القرآن، به کوشش محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، قاهره: الهیئة المصریة العامة للکتاب.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۳۴۴ق) القاموس المحيط، به کوشش نصر الهورینی، قاهره: المطبعة الحسینیة.
- قریب، بدرالزمان، (۱۳۷۴ش) فرهنگ سعدی، تهران: فرهنگان.
- کاشانی، فتح الله، (بی تا) منهج الصادقین، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- کاشفی، حسین، (بی تا) تفسیر حسینی (مواهب علیه)، سراوان: کتابفروشی نور.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۱ق) الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماوردی، علی بن محمد، (۲۰۰۷م) النکت و العیون، به کوشش سید عبدالمقصود عبدالرحیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- معین، محمد، (۱۳۷۱ش) فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.
- مقاتل بن سلیمان، (۲۰۰۳م) تفسیر القرآن، به کوشش احمد فرید، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مکی بن ابی طالب، (۱۴۰۵ق) مشکل اعراب القرآن، به کوشش حاتم صالح الضامن، بیروت: مؤسسه الرساله.
- _____، (۱۴۲۹ق) الهدایه الی بلوغ النهایه، به کوشش شاهد بوشیخی، شارجه: جامعه الشارقة.
- موائد الرحمن فی ترجمه القرآن (تاج التراجم)، (۱۸۶۷م) منسوب به آقا جمال خوانساری، بمبئی: ملک الکتاب.
- میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش) کشف الاسرار و عده الابرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- نسفی، عمر بن محمد، (۱۳۷۶ش) تفسیر نسفی، به کوشش عزیزالله جوینی، تهران: سروش.
- هروی، احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق) الغریبین فی القرآن و الحدیث، به کوشش احمد فرید المزیدی، مکه: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۹ش) فرهنگ نامه قرآنی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- یحیی بن سلام بصری، (۱۴۲۵ق) التفسیر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- Gesenius, W., (1955) *Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A. Brown, Oxford.
- MacKenzie, D.N., (1971) *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford et al.: Oxford University Press.

یادداشت‌ها

1. Homonymy
2. Polysemy
3. Semantic types

۴. مقصود از تعبیر گزینه، آن است که مفسر یا مترجم معنای مورد نظر را نه به عنوان تنها معنا، بلکه به مثابه یکی از گزینه‌ها پیشنهاد کرده است. از این به بعد در سراسر ارجاعات مقصود از واژه گزینه، همین نکته است.

۵. مقصود از فرهنگ‌نامه، مجموعه برابرهای فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است که در فرهنگ‌نامه قرآنی توسط محمد جعفر یاحقی و همکاران مضبوط گشته است. در این مقاله، از این اثر به اختصار به فرهنگ‌نامه تعبیر می‌شود و از آنجا که همه معادل‌های عزم در یک صفحه (ج ۳، ص ۱۰۱۸) از کتاب یاد شده معرفی شده‌اند، مشخصات جلد و صفحه تکرار نشده است.

۶. نیز به ضبط "استاد" از همین واژه در یک نسخه آستان قدس رضوی توجه شود (فرهنگ‌نامه).